ایران

- سال بیست و یکم
- شماره ۵۹۴۵
- شنبه
- ۱۶ خرداد ۱۳۹۴
- ۱۸ شعبان ۱۴۳۶

editorial@iran-newspaper.com

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیرمسئول: محمدتقی روغنی‌ها
سردبیر: محمد نوری
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰
روابط عمومی: ۵-۸۸۷۶۹۰۷۴
نشانی: تهران - خیابان خرمشهر- شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
امور مشترکین (آبونمان): ۶-۲۲۲۲۲۴۳۵ و ۹-۲۲۲۲۲۴۳۸
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ - روابط عمومی روزنامه ایران

چاپ: افست. بانک ملی
چاپ همزمان اصفهان (رسانه برتر)
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:
دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران - خیابان خرمشهر - شماره ۱۶
تلفن: ۴-۸۸۵۰۰۶۰۱
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷
مؤسسه شهرستانها و توزیع: ۲۲۲۲۲۲۴۸-۲۲۲۲۲۲۹۸

سخن روز

پیامبر اسلام(ص): هر کس همواره بیشترین اهتمامش آخرتش باشد، خداوند قناعت و بی‌نیازی را در دلش قرار دهد و کارهایش را هموار سازد و در زندگی به آنچه روزی‌اش بوده، دست یابد.

(تحف‌العقول صفحه ۴۸)

مکاشفه

حرف حساب جواب دارد آقای جهانگیری؟!

در سخنرانی رئیس‌جمهوری و فرزند یادگار امام - در این ایام ویژه و خاص- اخلال‌های آشنا و تکراری پیش آمد. از این منظر تکراری که بارها و بارها این قبیل حرکات تقبیح و نکوهش شده اما همیشه یک نسخه بدل مشابهش روی صحنه می‌آید. واقعاً حل معمای این دوستان خودسر که به هیچ صراطی مستقیم نیستند و نصیحت و سفارش و حکم و دستور هیچ مقام عالیرتبه‌ای را هم به گوش نمی‌سپارند، از پیچیده ترین جداول سودوکو هم دشوارتر است.

شاید اگر یک روزی مشخص شد که ۷۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی در دوره دولت قبل کجا هزینه شد که هیچ خیر و برکتی برای اقتصاد کشور و حتی برای سفره‌های مردم به ارمغان نیاورد، یک روزی هم مشخص می‌شود که این اولترا دلواپسان چه رادیاتوری کول گرفته‌اند که آنقدر پشت شان گرم است!

عموجان دلواپس ما معتقدند که ایراد از دوستان خودسر نیست بلکه ایراد از نازک نارنجی بودن همفکران ماست که تاب تحمل چند شعار و فریاد را ندارند: «وقتی هسته‌ای را کل یوم به فنا بدهند و یارانه را قطع کنند و بنزین را گران کنند، اینجور واکنش‌های خودجوش! طبیعی و اجتناب ناپذیر است.» گیریم که استدلال شما درست باشد اما تجربه ثابت کرده این داستان‌ها از داد و هوار و شعارهای هماهنگ شروع می‌شود و بعد به مواجهه فیزیکی و شکسته شدن شیشه خودرو و پرتاب سنگ و چوب و امثالهم ختم می‌شود.

عموجان پوزخندی زده و فرمودند: «باز خوب است که این یکی را نمی‌توانید گردن حلقه ولنجک بیندازید، چون جناب شان هم این صابون به تن شان خورده و تنها وجه مشترک شان با رفقای شما در همین زاویه است. از همین جا می‌توانید بفهمید که ملت با کسی شوخی ندارد و خیلی زود سره را از ناسره تشخیص می‌دهد. فقط تفاوت اینجاست که دولت قبل بعد از ۷ سال عملکرد درخشان دچار آفت شد اما دولت اعتدال از همان اول کارنامه اش مردود بود!»

خب بر اساس ترازوی دلواپسان اگر تمام انگشتان دست و پای دولت شهد شیرین شود و به کام ملت بنشیند باز هم کارنامه دولت غیرهمسو مردود است و دل شان غنج می‌رود برای روزگاری که کسی هاله نور ببیند و قطعنامه دان اجانب را به انهدام حواله دهد؛ اینکه ناگفته هویداست. مطلب ما اما درباره دوستان خودسر همیشه در صحنه بود... در همین حین رفتگر مهربان محله ما از راه رسید و خاطر نشان کرد: «عزیزم. ول کن. بی‌خیال شو. چه کار به کار بی‌سر و با سر و خودسر داری شما. از علی مطهری آقازاده‌تر که نیستی. هستی؟» نه والله اما خب دولت به فرموده معاون اول رئیس جمهوری تنهاست. نمی‌شود که فقط یک رأی داد و رفت در خانه نشست...« باشد. خودسرها را بگذار همان جناب جهانگیری اگر توانست چاره‌اش می‌کند. شما همون درباره یارانه و بنزین و پول نفت صحبت کن قشنگم!» حرف حساب جواب دارد آقای جهانگیری؟

کیوسک

توافق احتمالی هسته‌ای در «دیپلمات»

نخستین شماره ماهنامه سیاست خارجی و بین‌المللی «دیپلمات» به مدیرمسئولی سید صاحب صادقی و سردبیری کیهان برزگر منتشر شد. در شماره اول این مجموعه به پرونده هایی در خصوص تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی توافق احتمالی هسته ای، تأثیر توافق احتمالی بر حوزه‌های اقتصاد و انرژی در سطوح داخلی و بین‌المللی و همچنین تحولات یمن و داعش پرداخته شده و یوسف مولایی، علیرضا بیگدلی، نرسی قربان، حمیدرضا آصفی، حمید بعیدی نژاد، علیرضا شیخ عطار و... مطالبی نوشته‌اند. شماره اول مجله دیپلمات، در ۱۰۰ صفحه و به قیمت ۵ هزار تومان، منتشر شده است.

یادبود

به بهانه سالگرد سومین سال درگذشت «شاپور قریب»

مرد دوست داشتنی سینما

یوسف مرادیان
بازیگر

در فیلم سینمایی «سوگند» با زنده یاد «شاپور قریب» همکاری کردم. لحظات فضای کار با ایشان، پر از انرژی و پر از خواستن برای خلق یک اثر خوب بود. خاطرم هست برخی از دیالوگ‌ها را سر صحنه می‌نوشت و دست بازیگران می‌داد. انرژی و حس و حال‌اش، دوست داشتنی بود و باوجود سن بالا، برای کار انگیزه زیادی داشت.

اینکه همه شرایط و فضای کار برایش فراهم نشد بحث دیگری دارد. معتقد هستم هنرمندان بزرگ در فراغ بال و آزادی فکر و بودن در یک بستر مناسب آثار بزرگ خلق می‌کنند. باید به بزرگان به معنای واقعی کلمه احترام بگذاریم چرا که آنها گنج‌های با ارزشی هستند. شاپور قریب مستحق بیشتر از این‌ها بود. ای کاش بیش از این‌ها دیده می‌شد و بستر و شرایط کاری بهتری نیز برایش فراهم می‌شد. من عشق و ارادت خاصی به بزرگان این عرصه دارم چرا که جوانی شان را در این راه سپری کردند. به همین دلیل همه ما باید بیش از این‌ها مراقب‌شان باشیم خصوصاً تا زمانی که زنده هستند باید بیشتر به آنها توجه شود.

نگاره

اردشیر رستمی

جان همه روز از لگد کوب خیال / و ز زیان و سود و از خوف زوال / نی صفا می‌ماندش نی لطف و فر / نی به سوی اسمان راه گذر

مولانا

■ اذان ظهر ۱۳/۰۳ ■ اذان مغرب ۲۰/۳۹ ■ نیمه شب شرعی ۰۰/۱۰ ■ اذان صبح فردا ۴/۰۳ ■ طلوع آفتاب فردا ۵/۴۸

عکس نوشت

به انگیزه پانزدهمین سال درگذشت «هوشنگ گلشیری»

گلشیری آموزگار، گلشیری نویسنده

ابوتراب خسروی

آدم هایی هستند یک سر و هزار سودا. یک تنه می‌خواهند زمین را به آسمان بدوزند و در فرصتی کوتاه همه کارهای بی‌انجام مورد نظرشان را سامان بدهند و تازه انجام هر کار طلوع افق دهها کار بی‌انجام دیگر خواهد بود. اصولاً چنین آدم هایی هستند که کار دنیا را بسامان می‌کنند که اگر نبودند چنین آدم‌ها تا عرصه‌های مختلف حیات آدمی را فراخ تر کنند، شکل جهان همان طور می‌ماند که به دور اول بوده است. دنیا و مافیها مدیون چنین آدم‌هایی است که یک سر هستند و سوداهایی که آرزوی انجام به عرصه نشستن‌شان را دارند و اصلاً هم مهم نیست که سوداهاشان به عرصه بنشیند یا نه، مهم آنست که به سمتش نشانه شود و مهم تر از هر چیز شاید این باشد که سمت و سوی حرکت شان را فراگیر کنند که یک چنین سودا پروری، همان خصلت نقش معلمی است.، هوشنگ گلشیری یک چنین آدمی بود، بخصوص که در زندگی اش نقش معلمی را ایفا کرد، هر چند در همان سال‌های میانسالی نتوانست در کلیشه شغل معلمی باقی بماند، ولی تا آخر عمر به نقش معلمی الزام داشت و آموزگار بزرگ نویسندگان نسل بعد از خود ماند.

نقش معلمی داستان آنقدر برایش جذاب بود که هر بار ساعت‌ها همه وجودش دقتی وافر می‌گردید تا به داستان نویسنده‌ای جوان گوش دهد تا پس از آن کلمه به کلمه و جمله به جمله تحلیل کند و به نقد بنشیند و حاصل چنین نقشی بود که بعد از چند دهه کمتر نویسنده‌ای از جمع نسل بعد از او باید باشد که از حضور او در حیطه نقد یاد نگرفته باشد.

گویا سنت جلسات خانگی و داستان‌خوانی از دوره هدایت در ایران رایج بوده است، بدین شکل که چند نویسنده جوان به تناوب هر هفته یا هر دو هفته یک باردر خانه‌ای می‌نشسته‌اند و به داستان‌های یکدیگر گوش می‌داده‌اند تا نویسنده از نقد و نظر دیگران استفاده کنند و در بازنویسی‌ها نکات دریافتی را به‌کار بگیرد. هوشنگ گلشیری اگر چه شروع کننده سنت جلسات خانگی نبود، ولی بی‌شک در تاریخ داستان‌نویسی ایران تأثیرگذارترین جلسات داستان نویسی را داشت. چنانکه داستان‌نویسی غالب امروز ایران،بسط یافته همان نگاه مدرن گلشیری به ادبیات داستانی است.

گلشیری از آن آدم‌هایی بود که روحش در قالب‌اش نمی‌گنجید، انگار می‌خواست در مجال کوتاهی که دارد همه داستان‌های نانوشته دوران خود را سامان دهد و اصلاً هم برایش مهم نبود که راوی داستان چه کسی باشد، مهم آن بود که داستانی نوشته شود و مهمتر آن مفاهمه‌ای بود که آن داستان در ذهن و زبان مخاطبان ایجاد می‌کرد. نوشتن هر داستان خوب برایش القای فهم رفتار و موسیقی رازآمیز واژگانی بود که از منظر آن باطل السحری هجا می‌شد که رازهای سر به مهر سد سدید عقب‌ماندگی را افشا می‌کرد.به هر روی بعداز بیش از یک دهه پس از مرگ او داستان هایش به مثابه مفاهمه‌ای بزرگ خوانده می‌شود و این نشانه‌های مانایی ادبیات او در این مرز و بوم است.

چهره خبر

نقاش ایرانی تابلوهایش را به نگارخانه «شهریور» می‌برد

دیدار با ابوالقاسم سعیدی پس از ۶۰ سال

نخستین نمایشگاه انفرادی ابوالقاسم سعیدی در ایران، ۲۲ خرداد در نگارخانه شهریور برپا می‌شود. سعیدی در حالی پس از شش دهه، آثارش را برای نخستین بار در ایران روی دیوار می‌برد که میزبان این نمایشگاه نیز افتتاحش را با نمایشگاه این هنرمند جشن می‌گیرد. در نمایشگاه سعیدی آثاری مربوط به سال‌های مختلف فعالیت هنری این نقاش روی دیوار خواهد رفت؛آثاری که در اغلب آنها، شاهد درآمیختن درونمایه‌های ایرانی با سبک‌ها و تکنیک‌های مدرن هستیم. قرار است در این نمایشگاه ۳۰ تابلو در ابعاد مختلف به نمایش گذاشته شود. این آثار مربوط به بعد از انقلاب هستند و به گفته نقاش، نه اسم دارند و نه تاریخ. یکی از ویژگی‌های کار سعیدی آن است که او اعتقادی به دوره بندی کارهایش ندارد و از این جهت روی تابلوهایش تاریخ نمی‌گذارد. در این باره می‌گوید: «مساله این است که من از کجا آمده‌ام. مسأله وجود است، مساله زمان نیست. از این رو تابلوهایم بدون تاریخ هستند و در عوض من آنها را به دوره‌های مختلف مثل شصت سالگی، هفتاد سالگی یا نود سالگی‌ام تقسیم بندی کرده‌ام.»

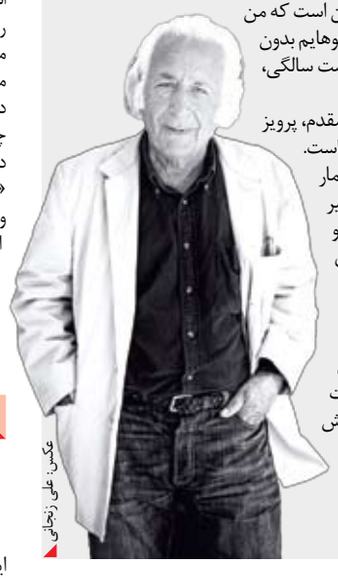

عکس: علی زنجانی

ابوالقاسم سعیدی هم دوره مارکو گریگوریان، محسن وزیری مقدم، پرویز تناولی، حسین زنده رودی و دوست نزدیک سهراب سپهری بوده است. همچنین از نخستین شرکت‌کنندگان ایرانی جشنواره ونیز به شمار می‌رود. کارهای او نقطه تلاقی توان فردی و خلاقانه امروزی با تقطیر معنای هنرهای سنتی ایرانی است. داریوش شایگان، نویسنده و متفکر ایرانی معتقد است در میان ملغمه گیج‌کننده نقاشی‌های متنوع و جورواجور معاصر، نقاشی سعیدی از نوعی ثبات حیرت انگیز و صفا و تأنی حکایت دارد که بیننده را به شگفتی می‌اندازد. او که ایرانی‌ترین نقاش مهاجر در فرانسه است، سال ۱۳۰۴ در اراک به دنیا آمده. سعیدی در سال ۱۳۳۴ از مدرسه هنرهای زیبای پاریس (بوزار) فارغ‌التحصیل شده و بیش از سه دهه است که در فرانسه کار و زندگی می‌کند؛هر چند معتقد است کارگاهش را از تهران به پاریس منتقل کرده و پاریس، تنها برای او حکم آتلیه‌اش را دارد. علاقه مندان برای بازدید از این آثار می‌توانند از ۲۲ خرداد به مدت یک ماه به گالری شهریور به نشانی تهران، الهیه، خیابان خزر شمالی، بن‌بست هرمز پلاک ۹ مراجعه کنند.

پلاک ۲۴

خنده سر بریده می‌شود

حمید جعفری
روزنامه‌نگار

خنده سر بریده می‌شود. این را می‌شود از واکنش‌های مجازی در شبکه‌های اجتماعی نسبت به برنامه‌های اخیر «خندوانه» به واسطه حضور میهمانانش فهمید.

مدت‌هاست این گزاره رنگ واقعیت به خود گرفته است که شمار زیادی از مخاطبان ایرانی با رسانه ملی‌شان قهر هستند و اعتمادی به این رسانه ندارند. اما حالا که یک برنامه می‌توانست میزان این بی‌اعتمادی را به عنوان پرمخاطب‌ترین برنامه تلویزیونی کاهش دهد — هرچند تصادفی، که معتقدم با هیچ برنامه‌ریزی از قبل تعیین شده‌ای این برنامه روی آنتن نرفته است- در سراشیبی سقوط قرار گرفته است. دلیلش روشن است، مخاطب باهوش است و با توجه به کارنامه صدا و سیما متوجه می‌شود، چه برنامه‌ای برای او بر اساس ذائقه و نیازسنجی از مخاطب تدارک دیده شده یا چه برنامه‌ای با کارکرد تبلیغاتی - رپرتاژ- یا انتخاباتی ساخته می‌شود. «خندوانه» نمونه موفق و بارز سیاست‌های کلان صدا و سیما تا به امروز بوده است.

برنامه‌ای که در فصل اول خود مخاطبان‌اش را جذب کرد و در فصل دوم —اگر نگوییم سوءاستفاده- به استفاده ابزاری از مخاطبان خود پرداخت، هرچند که باز هم باید گفت شنونده باید خودش عاقل باشد! وگرنه که خیلی راحت می‌شود کانال را عوض کرد و پای صحبت‌های میهمان سفارشی — تبلیغاتی - انتخاباتی ننشست! -که البته واکنش‌های رسمی و غیررسمی مؤید این نکته است- برخی میهمانان «خندوانه» درست همان کسانی هستند که صدای همه را درآورده‌اند. آنقدر که «خندوانه» تحت‌الشعاع حضور میهمانانش قرار گرفته و ایده اولیه آن، به عبارتی نیاز جامعه در این شرایط به خنده و شادی را خدشه دار کرده است. کمتر کسی است که امروز با خط قرمزهای صدا و سیمایی آشنا نباشد و نداند چه کسانی در این رسانه ممنوع التصویر هستند.

این مسأله هم خواه ناخواه متوجه «خندوانه» بود و شد و طبق معمول راهکار خلق عروسکی به سرشان زد که همه کارهایی که توسط یک مجری آقا ممنوع بود را مجاز کند و انجام دهد! حالا دیگر هیچ کاری از دست «رامبد جوان» برنمی‌آید. «جوان» مثلاً در عمل انجام شده قرار گرفته است! خنده قربانی می‌شود و پیش‌بینی آینده این برنامه چندان سخت نیست. جدا از اینکه انتخاب میهمانان برنامه به چه صورت و از چه کانالی انجام می‌شود حضور برخی چهره ها و سوگیری ها کار را برای بازگشت برنامه خراب کرده است و اما تأسفبار آزمون و خطایی بود که مدیران رسانه ملی با مخاطبان‌شان انجام دادند. مخاطب امروزی ترجیح می‌دهد پنج کانال داشته باشد، اما پنج برنامه قوی دارند نه اینکه رسانه‌ای داشته باشد و با چند ده کانال اما یک برنامه مناسب نداشته باشد. یا اگر هم داشت چنین باشد! کوچ مخاطب امروزی از یک رسانه به رسانه دیگر ساده است، خیلی بیشتر از آنچه مدیران صدا و سیما می‌اندیشند ساده است. در اینکه نیاز جامعه امروز خنده است شکی نیست اما «خندوانه» با ادامه این مسیر، راه برگشتی ندارد.

نوا

۸ شب میهمان «بُمرانی» در «آزادی»

گروه موسیقی «بمرانی» طی ۸ شب در سالن برج آزادی با مخاطبانش دیدار خواهد کرد.این گروه که به تازگی آلبوم «مخرج مشترک» را روانه بازار موسیقی کرده است، ۲۴ تا ۳۱ خردادماه، هرشب در ساعت ۲۱ کنسرت می‌دهد. گروه موسیقی «بمرانی» از جمله گروه‌هایی است که به تازگی وارد عرصه موسیقی رسمی شده است و آلبوم «مخرج مشترک» که چند روزی از انتشار آن می‌گذرد، پس از آلبوم «اتوبوس قرمز» دومین آلبوم رسمی آنها است. «کی چراغ‌رو خاموش می‌کنه؟»، «خورشید دزد»، «ژلوفن و چای»، «سیرک»، «جبر و احتمال»، «پتروس فداکار» و... از جمله قطعات آلبوم جدید گروه است که در نخستین کنسرت آنها شنیده خواهد شد. از گروه «بمرانی» به عنوان یکی از گروه‌های فعال در زمینه موسیقی تئاتر طی چند سال اخیر نیز یاد می‌شود.

کتاب

«میراث فرهنگی ایران» در یک نگاه

کتاب «خلاصه‌ای بر میراث فرهنگی ایران» منتشر شد. در مقدمه این اثر که به کوشش سعیده جوشقانی حاصل شده، آمده است: «با تمام نابسامانی‌ها، ایرانیان از گذشته تا به امروز در حفظ و نگهداری یادگاری‌های با ارزش، تا پای جان تلاش کرده‌اند. اکنون این وظیفه ماست که مانند نیاکان خود از این میراث‌های همیشه جاویدان کشورمان محافظت کنیم.» این کتاب که مشتمل بر ۱۶ فصل است، درباره میراث فرهنگی و آثار باستانی پیش و پس از اسلام و البته در مناطق مختلف ایران، مطالب قابل تأملی دارد که نشان از گذشته درخشان فرهنگ ایران زمین دارد و تا دوران معاصر آمده است. همچنین با اهمیت‌ترین نمونه‌های معماری ایرانی چون مسجد، بازار، خانه، کاروانسرا، آب انبار، پل، مصلی، تکیه و حسینیه، آرامگاه، میدان، کبوترخانه و از همه مهم‌تر؛ باغ ایرانی، مورد بررسی قرار گرفته است. این اثر پژوهشی که در ۳۸۸ صفحه و به قیمت ۱۶ هزار تومان انتشار یافته است، در کتابفروشی فرهنگسرای سبز به آدرس خیابان انقلاب، مقابل دبیرخانه دانشگاه تهران، شماره ۱۳۵۰ عرضه می‌شود.

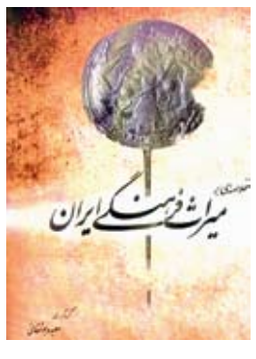

دیالوگ

زندگی اصیل

محمد صادقی
روزنامه‌نگار

مصطفی ملکیان در تازه‌ترین کتاب خود با نام «در رهگذار باد و نگهبان لاله» می‌گوید: «زندگی اصیل، زندگی‌ای است که در آن، انسان فقط به خود وفادار است... هر وقت وفاداری به خود، فدای وفاداری به دیگران شود، زندگی ما عاریتی خواهد بود، نه اصیل.» همچنین می‌افزاید: «وفاداری به خود، به معنای واضح‌تر، فقط بر اساس فهم خود عمل‌کردن و فهم خود را مبنای تصمیم‌گیری‌های عملی قراردادن است. هر کس در زندگی خود، فقط بر اساس فهمش و بر اساس آنچه در فاهمه‌اش واقع شده است، تصمیم‌گیری کند و فهم خود را تعطیل نکند، زندگی اصیل دارد. وقتی فهم خود را تعطیل می‌کنیم که زندگی را بر اساس سنت‌های نیازموده، افکار عمومی، همرنگی با جماعت، محبوبیت را به هر قیمتی حفظ‌کردن و کسب رضای مردم ادامه می‌دهیم.»

او با طرح این موضوع که هنوز «جهل، خطا و سوءنیت» از تاریخ بشر ریشه‌کن نشده و آنچه در ذهن و ضمیر شهروندان می‌گذرد، بویژه عقاید و باورهای به ارث رسیده، بیش از هر چیز دست‌پرورده این سه عامل هستند، با اشاره به سخن مشهور سقراط (زندگی نیازموده، ارزش زیستن ندارد) می‌گوید که ما از ابتدای زندگی، آهسته آهسته باورها و عقایدی را از پدر و مادر، بزرگترها، معلم‌ها و... دریافت کرده و بتدریج، همه عقاید و باورهای خود را در اثر القائات، تلقین‌ها و انتقال‌ها از دیگران گرفته و بر اساس آن زندگی خود را سامان می‌دهیم. اما این باورها و عقاید را محک نزده و برای اینکه به درست‌بودن و حق‌بودن آنها پی ببریم، کوششی نمی‌کنیم! در حالی که برای نمونه وقتی قصد خرید کفشی را داریم، اگر کسی بگوید که این کفش از آن کفش بادوام‌تر است، ممکن است آن را بیازماییم و بیشتر دقت کرده و دچار وسواس شویم اما نسبت به باورها و عقایدمان چنین حساسیتی را نشان نمی‌دهیم! زیرا در زندگی خویش کمتر به استدلال‌ورزی گرایش داشته و در مواجهه با سخنان و ادعاهایی که مطرح می‌شود، کمتر در پی دلیل هستیم. از این رو، به بها و بهانه اینکه، سخن یا ادعایی مورد پذیرش افکار عمومی است یا بزرگی آن را مطرح کرده، یا پدر و مادرمان بر آن تأکید داشته‌اند یا به قصد همرنگی با جماعت یا به خاطر از دست ندادن محبوبیت خود، از زندگی اصیل فاصله گرفته و فهم خود را تعطیل می‌کنیم. مصطفی ملکیان در کتاب «در رهگذار باد و نگهبان لاله» و در دو بخش به موضوع «زندگی اصیل» پرداخته که جای اندیشیدن دارد.

پاتوق

«پالت» و دانشجویان، به نفع شورای کتاب کودک

گروه موسیقی «پالت» تمامی عواید حاصل از کنسرت دانشجویی خود را به «شورای کتاب کودک» تقدیم کرد.

هفته گذشته گروه پالت تالار وحدت با استقبال کم‌نظیری از اهالی دانشگاه روبه‌رو شد. خیابان‌های کناری تالار وحدت شاهد صف طویلی از دانشجویان بودند که باز شدن گیشه‌های فروش بلیت را انتظار می‌کشیدند. جمعیت چیزی سه برابر ظرفیت سالن تخمین زده می‌شد. بلیت‌های این اجرای دانشجویی برابر با هزینه بلیت تئاتر و با قیمت ۲۵ هزار تومان برای همه صندلی‌ها از همکف تا بالکن درنظر گرفته شده بود. پیش‌تر گفته شده بود که تمامی عواید این اجرا صرف امور فرهنگی و خیریه خواهد شد. در پایان اجرا نیز امید نعمتی اعلام کرد تمامی این عواید به شورای کتاب کودک تقدیم می‌شود. همچنین در انتهای برنامه، اجرای «هزار تا قصه» که همراهی و تشویق ممتد مخاطبان را به همراه داشت، به توران میرهادی، بنیانگذار شورای کتاب کودک که این روزها در بستر بیماری است، هدیه شد. شورای کتاب کودک سازمانی فرهنگی پژوهشی وغیردولتی است که پنجاه و سومین سال تأسیسش را پشت سر می‌گذارد. این مؤسسه در حوزه ادبیات کودک و نوجوان فعالیت کرده و اعضای آن نیروهایی داوطلب هستند. شورا در حال حاضر حدود ۷۰۰ عضو رسمی و وابسته دارد و هزینه‌های خود را از راه حق عضویت، حمایت‌های مردمی، اجرای طرح‌های فرهنگی و حق التألیف فرهنگنامه به دست می‌آورد.

درنگ

اجباری شدن نظام وظیفه در ایران

رضا سلیمان نوری

در روزی چون امروز از سال ۱۳۰۴خورشیدی نمایندگان پنجمین مجلس شورای ملی قانونی را تصویب کردند که به موجب آن خدمت وظیفه برای مردان ایران اجباری شد. لایحه خدمت اجباری نظام وظیفه را، نخست‌وزیر وقت به مجلس ارائه کرده بود که پس از بحث فراوان در این روز به تصویب اکثریت نمایندگان رسید. این قانون جدید دارای ۳۶ ماده بود که به موجب ماده اول آن، کلیه اتباع ذکور ایران اعم از ساکنان شهرها، روستاها، ایلات و عشایر و همچنین کسانی که در خارج از کشور اقامت دارند، از آغاز سن ۲۱سالگی مکلّف به خدمت سربازی شدند. مدت خدمت سربازی در این قانون دو سال تمام تعیین شده بود. ناگفته نماند که در نخستین سازمان ارتش ایران که در سال ۱۳۰۰خورشیدی ایجاد شد، شعبه‌ای به نام «جدیدگیری» یا «سربازگیری» نیز وجود داشت که می‌توان آن را پایه اصلی تشکیلات اداره نظام وظیفه کنونی نیروی انتظامی تلقی کرد.